



سیاست خارجی

جمهوری خلق آذربایجان

(۱۹۱۸-۱۹۲۰)

مؤلف: پرفسور جمیل حسینی

مترجم: دکتر حسین شرقی دره جک

سرشناسه	: حسنوف، جمیل، ۱۹۵۳ - م. Hasanov, Jamil
عنوان و نام پدیدآور	: سیاست خارجی جمهوری خلق آذربایجان (۱۹۲۰ - ۱۹۱۸) / مولف جمیل حسنوف؛ مترجم حسین شرقی-دره‌جک.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات سروش سپهر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۵۴۰ ص.: مصور.
شابک	: 978-600-97303-2-2
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
پادداشت	: عنوان اصلی: Azərbaycan xalq cumhuriyyatinin Xarici siyasati.
پادداشت	: چاپ قبلی: حریم علم، ۱۳۹۰.
پادداشت	: کتابنامه.
پادداشت	: نمایه.
موضوع	: آذربایجان (جمهوری) -- تاریخ -- ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰ م.
موضوع	: Azerbaijan (Republic) -- History -- 1918 - 1920
موضوع	: آذربایجان (جمهوری) -- روابط خارجی -- ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰ م.
موضوع	: Azerbaijan (Republic) -- Foreign relations -- 1918 - 1920
شناسه افزوده	: شرق، حسین، ۱۳۲۵ -، مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ اس ۵ / DK۱۹۷/۳
رده بندی دیویی	: ۲ / ۶۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۰۷۸۵۳



◆ سیاست خارجی جمهوری خلق آذربایجان (۱۹۲۰-۱۹۱۸)

◆ مؤلف: پرفسور جمیل حسنوف

◆ مترجم: دکتر حسین شرقی دره جک

◆ ویراستار: رکسانا کافی

◆ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۳۰۳-۲-۲

◆ ناشر: سروش سپهر

◆ تعداد صفحات: ۵۴۲ صفحه

◆ چاپ: روز

◆ نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۶

◆ تیراژ: ۵۰۰ نسخه

◆ قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

حقوق: کلیه حقوق قانونی این اثر برای مترجم محفوظ است.

تلفن: ۰۹۱۲۸۲۷۰۱۹۵-۶۶۴۳۶۵۰۶

Email: soroushesepehr94@yahoo.com

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	صفحه ۴
مقدمه	صفحه ۷
فصل اول: وضعیت قفقاز جنوبی پس از انقلاب فوریه سال ۱۹۱۷	
و شروع مبارزات دیپلماتیک در منطقه	صفحه ۱۷
فصل دوم: کنفرانس‌های ترابزون و باتوم،	
اولین اقدامات دیپلماتیک در راه استقلال آذربایجان	صفحه ۴۱
فصل سوم: اعلام استقلال و اولین اقدامات وزارت امور خارجه آذربایجان	صفحه ۸۳
فصل چهارم: مبارزات دیپلماتیک در راه آزادسازی باکو	صفحه ۱۱۰
فصل پنجم: فعالیت‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه آذربایجان	
در اوخر جنگ جهانی اول و ورود متفقین به باکو	صفحه ۱۵۴
فصل ششم: دیپلماسی آذربایجان در دوره آمادگی برای کنفرانس صلح پاریس	صفحه ۱۹۵
فصل هفتم: گسترش فعالیت وزارت امور خارجه آذربایجان	
و اولین اقدامات دیپلماتیک در سال	صفحه ۲۳۹
فصل هشتم: دیپلماسی آذربایجان در مواجهه با	
ادعاهای «روسیه جدایی‌ناپذیر» «ارمنستان بزرگ»	صفحه ۲۶۹
فصل نهم: مواضع در قبال قیومیت غرب:	
تلاشها برای نزدیک شدن به فرانسه، بریتانیا، ایتالیا	صفحه ۳۱۴
فصل دهم: آذربایجان و افزایش تمایل ایالات متحده آمریکا به قفقاز	
فصل یازدهم: تلاش برای لابی‌گری در ایالات متحده آمریکا	
و گسترش فعالیتهای تبلیغاتی در اروپای غربی	صفحه ۳۷۱
فصل دوازدهم: برسمیت شناخته شدن استقلال آذربایجان	
از سوی شورای عالی ورسال	صفحه ۳۹۷
فصل سیزدهم: اوضاع بین‌المللی آذربایجان در قبل از آغاز اشغال آوریل	
فصل چهاردهم: اشغال آوریل سال ۱۹۲۰ و دیپلماسی آذربایجان	صفحه ۴۵۷
نتیجه	
اطلاعاتی کوتاه درباره مجموعه دیپلماتیک وزارت امور خارجه جمهوری خلق آذربایجان	صفحه ۴۹۱
منابع	صفحه ۵۰۰

پیش گفتار

با توجه به تاریخ جهان مشخص است که، در خصوص تأمین حاکمیت ملی، امنیت و دفاع از موقعیت و تمایلات هر ملتی در عرصه بین‌المللی، دیپلماسی دارای جایگاه ویژه‌ای است. در راه دستیابی یک ملت به استقلال، شناخته شدن آن به عنوان یک عضو با حقوق برابر در جامعه بین‌الملل و در هنگام مبارزه در راه حفظ تمامیت ارضی، دیپلماسی، به عنوان یک ابزار سیاست خارجی، اهمیت فوق‌العاده بیشتری کسب می‌کند.

در قرن بیستم، ملت آذربایجان، خادمین سیاسی آن و دیپلماسی در حال شکل‌گیری آن، دوبار توفیق مبارزه در راه برافراشتن پرچم استقلال و تشکیل حاکمیت ملی، آن هم در شرایط سخت و پیچیده بین‌المللی و منطقه‌ای را یافته‌اند: یکبار در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸ و بار دیگر در دهه ۸۰ و ۹۰ قرن گذشته.

همانگونه که می‌دانید، هر ملت باید علی‌اف با دقت خاصی به تاریخ جمهوری خلق آذربایجان در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸ می‌پرداخت. در راستای اوامر ایشان، در کنار آماده‌سازی مجموعه اسناد سیاست خارجی آذربایجان، برای اولین بار، تمامی اسناد مربوط به دولت جمهوری خلق آذربایجان به چاپ رسیده‌اند.

در ادامه این اقدام مهم، در راستای تصمیم رئیس جمهور الهام علی‌اف، در جریان برگزاری نودمین سالگرد دیپلماسی ملی که از زمان جمهوری خلق آذربایجان آغاز شده، در چهارچوب برنامه‌هایی که امسال برگزار خواهند شد، تالیف و چاپ اثری جامع در مورد تاریخ خدمات دیپلماسی معاصر آذربایجان تا امروز در نظر گرفته شده است.

فصلهایی که به تاریخ دیپلماسی آذربایجان در سالهای ۱۹۱۸ تا ۱۹۹۰ پرداخته‌اند، توسط تاریخ‌شناس مشهور و متخصص این قرن، پرفسور جمیل حسنی نوشته شده‌اند. در آخرین تالیف کتاب، منابع اضافی از آرشیوهای خارجی نیز مطالعه شده و حقایق جدید و مهم بسیاری آشکار گشته‌اند. فصلهایی که به تشکیل دولت مستقل آذربایجان در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸، برپایی دولت در پایتخت خود باکو و تمامی اراضی کشور و تلاش و مبارزه اولین حکومت ملی، دیپلمات‌ها و خادمین بزرگ بوجود آورنده آن برای به رسمیت شناخته شدن دولت مستقل از طرف دیگر دولتهای جهان پرداخته‌اند، با دقت خاصی مطالعه می‌شوند.

در ۲۸ می امسال، در متن قبول رسمی این روز به عنوان روز جمهوری، رئیس جمهور الهام علی‌اف، تشکیل جمهوری خلق آذربایجان به عنوان اولین جمهوری دموکراتیک در جهان اسلام در

۹۱ سال پیش را، به عنوان یک حادثه تاریخی ارزیابی کرده و کوتاه بودن عمر جمهوری خلق آذربایجان و سقوط جمهوریت پس از دو سال به دلایل معلوم را با تأسف یاد کرده و اضافه کرده‌اند که ملت و دولت آذربایجان همیشه از جمهوری خلق آذربایجان و فعالیت‌های موسسین آن با احترام یاد می‌کنند، این تاریخ مخصوص ماست و همیشه باید از آن درس عبرت بگیریم.

علیرغم اینکه جمهوری مستقل خلق آذربایجان تنها ۲۳ ماه به طول انجامید، اما حفظ باکو، پایتخت جمهوری جدید آذربایجان شوروی و دیگر اراضی تحت حاکمیت آن در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی، به عنوان یک جمهوری با حقوق برابر، هرچند به شکل ظاهری، را می‌توان به عنوان یکی از نتایج این دوره به حساب آورد.

فصلهای که به تاریخ دیپلماسی آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا امروز پرداخته‌اند، توسط عضو هیئت علمی دانشگاه رنر باکو، پرفسور موسی قاسملی نوشته شده است. هرچند منابع مرتبط با این دوران پیچیده و پر ادعای اندازه کافی وجود دارند، اما باز هم تحلیل کردن سیاست خارجی و دیپلماسی دولت در داخل کشور و در برابر دنیای خارج موجود در جهان وظیفه سنگینی است و این وظیفه به خوبی بجای آورده شده است.

بین این دوران که تاریخ معاصر ما را تشکیل می‌دهد و سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸، یک سری تشابهات قابل مشاهده است: - منافس‌های که در شرف سقوط اتحاد جماهیر شوروی بودند آمد، مشکلات و موانع قدرتمند خارجی که همیشه در منطقه موجود بوده‌اند، اهمیت عامل نفت و تجاوز ارامنه بر علیه آذربایجان. همچنین، متأسفانه باید گفت که، رانی که حاکمیت کشور را در سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ و در سالهای آغازین استقلال برعهده داشت، نتوانستند در سطح نیازهای زمانه عمل کنند، تجاوز بوجود آمده ارمنستان را که روز بروز وسیع‌تر می‌شد را به صورت صحیح ارزیابی نکرده و تدابیر لازم را نیندیشیدند و بطور کلی، در سیاست خارجی و داخلی دچار اشتباهات بزرگی شدند.

چنین نکته‌ای در علم تاریخ وجود دارد که، سیاستمداران بزرگ، به حکم زمان وارد عرصه می‌شوند. امروز، پس از گذشت ۱۶ سال با اطمینان می‌توان گفت که، حضور رهبر ملی حیدر علی‌اف در راس دولت مستقل آذربایجان نیز، یکی از حوادث مهم تاریخی بوده است. نتایج اساسی و مهم فعالیت‌های جامع و چندبعدی رییس‌جمهور حیدر علی‌اف که همانا تشکیل حاکمیت ملی و استحکام آن و ایجاد استراتژی جدید و مناسب‌تر در اطراف آذربایجان، در منطقه و در کل جهان هستند، در این اثر به شکل گسترده مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

در فصلهای پایانی اثر نشان داده می‌شود که، دولت آذربایجان تحت رهبری رئیس‌جمهور الهام علی‌اف، با تکیه بر نتایج فعالیتهای عظیم حیدر علی‌اف، با دستیابی به پیشرفتهای قابل توجه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی، بواسطه دیپلماسی در حال اجرای خود، توانسته موجودیت و تاثیر خود را در صحنه بین‌المللی، از آن جمله در سازمانهای بین‌المللی بشدت گسترش داده و تقویت کند. امروزه آذربایجان توانایی اثرگذاری بر روند حوادث استراتژیک، سیاسی و اقتصادی موجود در یک منطقه وسیع را داراست. امروزه تمامی کشورهای دنیا آگاه هستند که، مناقشه ارمنستان-آذربایجان، تنها به اساس شروط آذربایجان که بر اصول بین‌المللی استوار هستند، قابل حل است. در این میان، می‌خواستم خوشنودی خود را در این مورد ابراز کنم، چرا که این اثر بزرگ که به تاریخ دیپلماسی آذربایجان اختصاص یافته است، در زمینه تدریس، تعلیم و تحقیقات برای انستیتوها، دانشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی که تعداد آنها روزبروز در حال افزایش است و دانشمندانی که در زمینه مناسبات بین‌الملل فعالیت می‌کنند، منبع مفیدی خواهد بود.

ا.م. ممدیاراف

وزیر امور خارجه جمهوری آذربایجان

مقدمه

آذربایجان به عنوان یکی از کشورهای قدیمی جهان، به دلیل اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خود، همیشه در مرکز توجه قرار گرفته است. این تنها راههای تجاری بین شرق و غرب نبودند که از آذربایجان می‌گذشتند، در دوره‌هایی از تاریخ، یورش‌های ویرانگر امپراتوری‌های بزرگ و جهانگشایان نیز از آذربایجان گذشته است. آذربایجانی‌ها که در اراضی وسیعی، از کوهپایه‌های رشته‌کوه‌های قفقاز تا دریاچه خزر سکونت گزیده‌اند از دوره آنتیک تا امروز مورد هدف قدرتهای بزرگ قرار گرفته‌اند. از حکمرانان اهمنی تا لژیونهای رم باستان و از ساتراپ‌های ساسانی تا سرکرده‌های عرب همه برای قدرت‌نمایی در این مکان تلاش کرده‌اند. آذربایجان در طول قرون متمادی در محل تلاقی صدای رعد و برق، شمشیر و فلسفه دیپلماسی زندگی کرده و در این جریان تاریخی توانسته وحدت شمشیر و دین، اسم، بی‌غریزند. حرکت‌های دیپلماتیک امیر تیمور و ابراهیم شیروانشاه، نامه‌های شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم که از سطرهای آنها خون می‌چکید، مکاتبات مابین اوزون حسن آق‌قویونلو و دولت‌های اروپایی، روابط بین‌المللی وسیع دولت صفوی اولین صفحات نازک تاریخ دیپلماسی ما بود.^۱

در قرن ۱۸ پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، شاه، خان‌نشین‌های آذربایجان که بواسطه سیستم اداره انضباطی، اسناد مشخص، ارتش منظم، دیوان تأمین‌کننده مناسبات اجتماعی و پول واحد که مناسبات اقتصادی را برمی‌انگیخت، مشخصه‌های این دولت را در خود بوجود آورده بودند، در کنار انجام وظیفه به عنوان سازمانهای حاکمیت، همزمان برنامه‌های جداگانه‌ای بودند که به تدریج وارد مناسبات بین‌المللی منطقه می‌شدند. آذربایجان که در حال گذر از بحران حنددولتی در تاریخ ملت‌ها بود، از این نظر اولین و آخرین دولت دنیا نیز نبود. در همین دوران پرهیز به پیش برداشتن اشراف‌زادگان روس که مبارزه‌های خونباری با یکدیگر داشتند، تازه به پایان رسیده بود. دولت‌شهرهای ایتالیا در راه حفظ استقلال خود، از سلاح گرفته تا تمامی ظرافت‌های دیپلماسی استفاده می‌کردند. وجود ۲۰ خان‌نشین در آذربایجان همزمان با دولت‌های کوچک بی‌شمار در آلمان، نتوانست از تبدیل شدن آلمان‌ها به یکی از قدرتمندترین ملتهای اروپا جلوگیری کند. اما تجربه سرنوشت تلخ و تاریخ عبرت‌آمیز

^۱ مراجعه نمایید به:

خان‌نشین‌ها این حقیقت را آشکار ساخت که، نجات آذربایجان که از نظر جغرافیایی در بین سه امپراتوری بزرگ قرار گرفته است، در گرو یکپارچگی کشور و اتحاد ملت است.

در اوایل قرن نوزدهم، بازشدن پای امپراتوری روسیه به قفقاز، آذربایجان را دوباره به مرکز کشمکش‌های دیپلماتیک تبدیل کرد. پاسخ‌های باملاحظه جوادخان حاکم گنجه به نامه‌های مکارانه ژنرال سیسیانوف، همانند جانفشانی‌های او در میدان مبارزه، از صفحات زرین تاریخ دیپلماسی ماست. دقت در این برهه از تاریخ به تنهایی یک حقیقت را به وضوح آشکار می‌سازد که، حوادث کشمکش‌داری که در اوایل قرن نوزدهم به عنوان جنگ‌های روسیه-ایران وارد تاریخ مناسبات بین‌الملل شده‌اند، قبل از اینکه جنگ روسیه-ایران باشند، جنگ بین روسیه به صورت مجزا با هر یک از خان‌نشین‌های آذربایجان هستند. قبل از اینکه ارتش ایران وارد مبارزه شود، این مبارزات با مقاومت سرسختانه جوادخان در مقابل ارتش روسیه، در حال انجام بود. همچنین قبل از اینکه قراردادهای گلستان در سال ۱۸۱۳ و ترکمنچای در سال ۱۸۲۸ بین روسیه و ایران امضاء شوند و سرنوشت جدایی را در بین ملت آذربایجان به صورت رسمی درآورند، قرارداد کورک‌چای نیز که در سال ۱۸۰۵ به امضای ابراهیم‌خان از شوشا رسید، وجود دارد. به موجب این قرارداد، به عنوان یک سند رسمی، خان‌نشین قره‌باغ به عنوان یک دولت آذربایجانی، تبدیل به یکی از مسعمره‌های امپراتوری روسیه شد.^۲ هم در قرارداد کورک‌چای و هم در ادامه روند حقوقی این قرارداد، در تعیین مهدیق‌لی‌آقا به عنوان حاکم قره‌باغ، در فرمان امپراتور در سال ۱۸۰۶ در خصوص الحاق تدریجی قره‌باغ به امپراتوری روسیه، درباره قومیت ساکنان موجود در حدود جغرافیایی آن، در کوهستانها و جلگه‌های آن، تنها به اسم از آذربایجانی‌ها سخن به میان می‌آید و در خصوص دین آنها نیز فقط از اسلام یاد می‌شود.^۳ قرارداد کورک‌چای که در اوایل قرن نوزدهم از طرف ژنرال سیسیانوف امضاء شده است و فرمان امپراتور که در طایف الکساندر اول «فلک جلالی» امضاء شده است از نظر تاریخی اولین اسناد دیپلماتیک موثق هستند که به اختصاص انحصاری قره‌باغ به آذربایجانی‌ها را تصدیق می‌کنند. پیش از شروع کوچ ارمنی‌ها، در سال ۱۸۲۱ سند اطلاعات آماری به نام «تصویر ولایت قره‌باغ» که از طرف اداره‌کنندگان روسیه حاضر شده و حاوی شمارش

^۲ Тратат между Карабахским ханом и Российской империей о переходе ханства под власть России от 14 мая 1805 года.// Государственный Исторический Архив АР, ф.130, оп.1, д.14, лл.245-248; Акты Кавказской Археографической Комиссии. Архив Главного Управления Наместника Кавказа. Том II. Издан под редакцією председателя комиссии А.Д.Берге. Тифлис, 1868, с.705

^۳ Высочайшая грамота генерал-майора Мехтикули ага от сентября 1806 года.// Акты Кавказской Археографической Комиссии. Архив Главного Управления Наместника Кавказа. Том III. Издан под редакцією председателя комиссии А.Д.Берге. Тифлис, 1869, с.336-337

اهالی ولایت است، بوضوح تصویر واقعی درباره ترکیب قومی-دینی این منطقه ارائه می‌کند.^۴ حقایق مرتبط با ولایت قره‌باغ، در آثار بعضی از محققین روس که درباره سیاست روسها در منطقه قفقاز تحقیق می‌کردند و انتشارات رسمی که سیاستهای دولت را مشخص می‌کردند نیز تصدیق شده است.^۵ در سرنوشت و تاریخ آذربایجان نقطه عطف اساسی از اواخر قرن نوزدهم شروع شد. اولین رئالیست‌های آذربایجانی که عدم حصول یک نتیجه جدی از نزدیک به ۳۰ سال مقاومت مسلحانه را ملاحظه کردند، با تغییر شکل و متدهای مبارزه، ضرورت تبدیل تفکر امت در قرون گذشته به تفکر ملت در عصر جدید را به عنوان یک رویکرد ایدئولوژیک پیشنهاد دادند. روشنفکرهایی مانند آ.آ.باکوخان،^۶ ف.آخوندوف و ح.ب.زرداری با تاکید بر ضرورت تبدیل مکتب‌های سنتی شرق به مدارس با اصول جدید، اهداف ملی را به درستی مشخص کردند. پیروان این روشنفکران بزرگ مانند ع.حسین‌زاده،^۷ ا.افاق و ع.نوپچوباشوف نیز تنها با تکیه بر همین تفکر، توانسته‌اند بار مسئولیت تاریخی گذر آذربایجان را از استبداد به ملت را بر دوش بکشند. تبدیل این تفکر به عنوان فلسفه «حیات ملی» به یک سیستم متشکل در نگاه به نام محمدامین رسول‌زاده همراه است. ظهور جمهوری خلق آذربایجان به عنوان یک دولت ملی در سال ۱۹۱۸ در صحنه تاریخ، نتیجه منطقی گذر از امت‌گرایی اسلامی به ملی‌گرایی ترکی و تصدیق تاریخی فلسفه «حیات ملی» است که حاوی آرزوی ملت‌شدن در عصر ملی‌گرایی بود. در اوایل قرن بیستم، رهبران مکرهای آذربایجان که نمی‌توانستند امضای ملت خود را در بین ملت‌های جهان ببینند و بخاطر همین مسائل تحت فشار معنوی سنگینی بودند، در اولین فرصت بوجود آمده، در ۲۸ ماه می سال ۱۹۱۸ با تشکیل جمهوری خلق توانستند از نظر دیپلماتیک این امضاء را در عرصه بین‌المللی به تایید برسانند. این اتفاق سهم یکی از دستاوردهای تاریخی بسیار بزرگ ملت آذربایجان بود که با صدای توپهای جنگ جهانی بیارشم و با تشدید روزافزون کشمکش‌های سیاسی به تغییر نقشه سیاسی جهان بسیار امیدوار بود.

جمهوری خلق آذربایجان جمعاً ۲۳ ماه سرپا ماند. این، از نظر زمان، مدت کوتاهی را شامل نمی‌شود. لیکن مضمون سیاسی تاریخ آفریده‌شده، راههای طی‌شده، اقدامات دیپلماتیک و کارهای

^۴ Описание Карабахской провинции, составленное в 1823 году, по распоряжению главноуправляющего в Грузии Ермолова, действительным статским советником Могилевским и полковником Ермоловым 2-м. Тифлис. 1866. 415 с.

^۵ مراجعه کنید به:

Гражданское Управление Закавказьем от присоединения Грузии до наместничества Великого Князя Михаила Николаевича. Исторический очерк. Составитель по поручению Военно-Исторического отдела В.Н.Иваненко. Тифлис, 1901, 525 с.; В.А.Потто. Кавказская война. Персидская война 1826-1828 гг. Том 3. Тифлис. 1901; Н.И.Шавров. Новая угроза русскому делу в Закавказье: предстоящая распродажа Мугани инородцам. СПб., 1911

بزرگ انجام شده در عرض این ۲۳ ماه دارایی‌های ملت را برانگیخت. استقلال اعلام شده در ۲۸ ماه می ۱۹۱۸ و پرچم سه رنگ ماه و ستاره که به عنوان سمبل استقلال برافراشته شد، تنها به عنوان نتیجه منطقی مبارزه ملی مابین اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم باقی نماند، بلکه راهنمای ایدئولوژی تعیین‌کننده مسیر پیش رو و اساس استراتژی پیشرفت در راه اهداف ملی نیز بود. تشکیل جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۱ به عنوان وارث سیاسی-معنوی جمهوری خلق، نتیجه اساسی صحت راه انتخاب‌شده و اهمیت مبارزه دیپلماتیک انجام‌شده در سالهای ۱۹۱۸-۱۹۲۰ بود. در بیانیه‌ای که در سال ۱۹۱۸ به مناسبت هشتادمین سالگرد تشکیل جمهوری خلق آذربایجان به امضای رهبر ملی حیدر علی‌اوغو رسیده، چنین آمده است: «جمهوری خلق آذربایجان در شرایط اجتماعی-سیاسی متشنج و پیچیده موجود در داخل و خارج کشور فعالیت کرده است. اقداماتی که این دولت در مدت زمان کوتاهی به انجام رسانده، آثار بزرگی در تاریخ ملتمان بجای گذاشته است. اعطای حقوق برابر به همه شهروندان کشور بدون توجه به قومیت، منسوبیت سیاسی و دینی و جنسیت افراد، تعیین سرحدات و مرزهای دولت، قبول مشخصه‌های هویتی آذربایجان و اعلام زبان مادری به عنوان زبان رسمی کشور زمینه‌های محکمی برای استقلال آذربایجان در آینده آفریده است. اقدامات انجام شده در خصوص پایه‌گذاری دولت دموکراتیک، و در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و امور نظامی از مهمترین مسائلی هستند که نشاندهنده فعالیت ۷۳ ماهه جمهوری خلق آذربایجان است... ملتمان که در سال ۱۹۹۱ استقلال ملی خود را برپا کرد، از سنت‌های گوناگون، فعالیت‌های کوتاه‌مدت جمهوری خلق آذربایجان استفاده کرده و دولت مستقل آذربایجان را بر پایه این میراث تاریخی بنا نهاده است.»^۶ این قرارنامه از نظر برپایی سنت‌های حکومت آذربایجان، برافرازی میراث گوناگون‌های جمهوری خلق و دادن بهای سیاسی به آن، یک سند مهم دولتی است. بیان‌نامه‌ای که در سال ۲۰۰۸ به مناسبت یادبود نودمین سالگرد جمهوری خلق در سطوح دولتی، به امضای رئیس‌جمهور آذربایجان رسید نیز، ادامه منطقی این سیاست بود. در این بیان‌نامه آمده است: «اقدامات انجام شده از سوی جمهوری خلق آذربایجان در خصوص قبول مشخصه‌های دولتی خود و اقدامات انجام شده در زمینه‌های دولتی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و هنری دارای اهمیت تاریخی برای ملت ما است. یکی از دستاوردهای بزرگ جمهوری برسمیت شناخته شدن آذربایجان به عنوان یک دولت مستقل در

^۶ "Azərbaycan Xalq Cümhuriyyətinin 80 illiyinin keçirilməsi haqqında" Azərbaycan Respublikası Prezidentinin sərəncamı. 30.01.1998.//Azərbaycan, 1998, 31 yanvar

کنفرانس صلح پاریس در ۱۱ ژانویه سال ۱۹۲۰ است.^۷ رئیس جمهوری آذربایجان الهام علی اف، در متن سخنرانی خود در مراسم رسمی که در تاریخ ۲۷ ماه می سال ۲۰۰۹ به مناسبت روز جمهوری برگزار شد، با اشاره به ارزش والای نقش جمهوری خلق در تاریخ چنین گفت: «۹۱ سال قبل، در مشرق زمین، در جهان اسلام، برای اولین بار یک جمهوری دموکراتیک تشکیل شده است. این یک حادثه تاریخی بود. زیرا اولاً در جهان اسلام برای اولین بار بود که یک جمهوری دموکراتیک تشکیل می‌شد، از طرف دیگر ملت آذربایجان به استقلال خود دست می‌یافت. ملت آذربایجان و دولت آذربایجان، همیشه از فعالیت جمهوری خلق آذربایجان و فعالیت موسسین آن با احترام یاد کرده‌اند. در سال گذشته بود. بن سالگرد جمهوری خلق را به شکل وسیع و باشکوهی در آذربایجان برگزار کردیم. بزرگداشت این تاریخ زیبا امسال نیز به شکل وسیعی برگزار خواهد شد. براساس بیانیه‌ای که دو سال قبل امضاء کرده‌ام، رای‌گذاران داشت جمهوری خلق آذربایجان، بنای یادبودی در خیابان استقلالیت، در مرکز باکو ساخته شده است. این تاریخ، تاریخ ماست و ما باید همیشه از تاریخ درس عبرت بگیریم».^۸

جمهوری خلق آذربایجان در شرایط تشنج و بحرانی مبارزات دیپلماتیک که با پایان جنگ جهانی در حال پیگیری بود، ایجاد شده فعالیت خود را انجام داد. تلاش برای تشکیل جمهوری جوان آذربایجان در داخل سرحدات سال ۱۹۱۴ میلادی، روسیه که با انقلاب از هم پاشیده بود، اطلاعات دیپلماتیک وسیع و آگاهی از نقاط عطف سیاستهای جهانی طلب می‌کرد. در دو سال تلاقی عشق به آزادی و مبارزه برای استقلال، دیپلماسی آذربایجان با تریب از عهده انجام این وظیفه مهم برآمد. ارائه‌کنندگان مضمون سیاسی ایدئولوژی آذربایجان به جهان، بیان در سال ۱۹۲۰ توانستند از نظر دیپلماتیک این ایدئولوژی را از طرف شورای عالی ورسال به شوربیت ملی تصویب کنند. اما فرآیندهای ژئودیپلماتیک جدید بوجودآمده پس از جنگ جهانی اول، امکان استفاده کافی ملت آذربایجان از این موفقیت تاریخی را نداد. جمهوری خلق آذربایجان در ماه اپریل سال ۱۹۲۰ نه بواسطه فرآیندهای سیاسی داخل کشور و یا تناقضهای محلی بلکه به سبب کشمکشهای دیپلماتیک پیچیده موجود در سیاستهای جهانی سقوط کرد. در حقیقت، دشواری هماهنگ شدن جمهوری‌های جدید تأسیس شده در سال ۱۹۱۸ در حدود جغرافیایی امپراتوری روسیه و از آن جمله جمهوری آذربایجان با جهان بین‌الملل، اولاً به سبب فروپاشی روسیه به عنوان یکی از اعضای متفقین که در جنگ پیروز

^۷ "Azərbaycan Xalq Cümhuriyyətinin 90 illik yubileyi haqqında" Azərbaycan Respublikası Prezidentinin sərəncamı. 15.02.2008.//Azərbaycan, 2008, 17 fevral

^۸ Azərbaycan, 2009, 28 may

شده بودند، بود. به همین دلیل جهان، و یا همان محافل تصمیم‌گیرنده درباره آن، برای فروپاشی روسیه و برسمیت شناخته شدن دولتهای جدید بوجود آمده بر روی ویرانه‌های آن حاضر نبودند. به نوعی به خاطر اینکه روسیه به شکل غیرمنتظره‌ای وارد بحران شده بود، متفقین که به بلشویسم به عنوان یک وضعیت موقتی نگاه می‌کردند، امید خود را به برپایی مجدد آن بر روی مرزهای سابق از دست نداده بودند و به همین دلیل نیز، در خصوص تمامی مسائل مرتبط با روسیه به شکل بسیار محتاطانه‌ای عمل می‌کردند. این مساله در ۱۴ اصل صلح و ویلسون که پس از پایان جنگ جهانی به عنوان معمار اصلی نظام جهانی و دوست ملتهای کوچک به شمار می‌آمد نیز بوضوح قابل مشاهده بود. ۱۴ مه ۱۹۱۸ میلادی که تقریباً ۷۰ سال بعد در نتیجه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از روسیه جدا شدند، در سال ۱۹۱۸ میلادی ۱۴ ماده ویلسون نبودند. در این چنین شرایطی، برسمیت شناخته شدن استقلال آذربایجان از طرف شورای عالی ورسال در سال ۱۹۲۰، در کنار شرایط سیاسی تغییر یافته پس از پاییز سال ۱۹۱۹، در مورد هم دیپلماسی آذربایجان و موفقیت بزرگ هیئت آذربایجان بود که در کنفرانس صلح پاریس از نظر تعداد کوچک بود.

با در نظر گرفتن شرایط تاریخی پیدیده آن دوره، موسسین جمهوری خلق آذربایجان و اداره‌کنندگان سیاست خارجی آن با تشکیل یک جمهوری مدرن مبتنی بر ارزشهای دنیوی و اصول دموکراتیک، از نظر موقعیت، جایگاه آذربایجانی را در سیاست و جغرافیای جهان مشخص کردند. آنها نه تنها دیدگاه آذربایجانی‌ها به جهان را تغییر دادند بلکه توانستند دیدگاه جهانیان به آذربایجان را نیز تغییر بدهند. به مناسبت اولین سالگرد تاسیس جمهوری خلق آذربایجان در ۲۸ ماه می سال ۱۹۱۹ در روزنامه رسمی دولت «آذربایجان» چنین نوشته است: «برای یک ارتباط کوچک با کسانی که وجود ما را برای عالم مدنیّت به عنوان یک خطر می‌دیدند، کانی را زد تا آشکار شود که این تصور و این نظر صرفاً یک دروغ و اشتباه بوده است».^۹

تأمین تمامیت ارضی و حاکمیت آذربایجان، چارچوب اصلی دیپلماسی جمهوری خلق را تشکیل داده است. از این نظر یکی از مهمترین خدمات جمهوری خلق آذربایجان و دیپلماسی آن، مشخص کردن مرزهای ملی آذربایجان در قفقاز جنوبی است. در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸ اراضی مسلم جمهوری ۹۷۲۹۷/۶۷ کیلومتر مربع و به همراه اراضی دارای اختلاف نظر تقریباً ۱۱۳۸۹۵/۹۷ کیلومتر مربع بود.^{۱۰} پس از ورود به اتحاد جماهیر شوروی اراضی آذربایجان بشدت کاهش یافت و اندازه اراضی به

^۹ Azərbaycan, 1919, 28 may

^{۱۰} Адрес-календарь Азербайджанской Республики. Под ред. А.М.Ставровского. Баку. 1920. с.50

۸۶/۶ هزار کیلومتر مربع کاهش یافت. در سالهای ابتدایی ورود به اتحاد جماهیر شوروی، ن.نریمانوف در مقابل این بی‌عدالتی‌ها، در اعتراض به داده شدن مرکز اراضی تاریخی آذربایجان به ارمنستان از طرف حکومت بلشویک در نامه‌ای به و.ا.لنین نوشته بود: «اراضی آذربایجان که در زمان حکومت مساوات بطور قطع متعلق به آذربایجان بودند، پس از غلبه حاکمیت شوروی مورد مباحثه قرار گرفته‌اند. بی‌شک مردم این اتفاقات را مشاهده می‌کنند و اعتراض خود را نشان می‌دهند».^{۱۱} کمی پس از وقایع آپریل، در ژوئیه سال ۱۹۲۰ بلشویک‌هایی که در قفقاز بانفوذ به شمار می‌آمدند، رئیس کمیته انقلاب آذربایجان، ن.نریمانوف، اعضای دفتر RK(b)P قفقاز مdivani، اعضای AK(b)P MK میکویان و نانیسویلی، اعضای شورای نظامی لشکر یازدهم و سنیک، لواندووسکی و میخائیلوف در سندی که به اتفاق امضاء کرده و به کمیته مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) روسیه در مسکو ارسال کردند، نوشته بودند: «تمامی منطقه قره‌ای در دوره حکومت مساوات در ترکیب آذربایجان قرار داشته است».^{۱۲} در دوره معاصر که مبارزات دیپلماتیک در راه بازسازی مرزهای مخدوش شده آذربایجان و تامین تمامیت ارضی آذربایجان در حال پیگیری است و تمایلات جدی در جهت تحریف حقایق تاریخی موجود در اسناد دیپلماتیک تاریخ معاصر وجود دارد، اهمیت سیاسی این مکاتبات همچنان محفوظ است.

اولین تلاشها در جهت یادگیری تاریخ سیاست خارجی جمهوری خلق آذربایجان و مطالعه اقدامات دیپلماتیک آن در همان دوره جمهوری آذربایجان انجام شده است. از این نظر، در کتابچه‌ها و مقالات ع.م.توپچوباشوف، م.ارسل‌زاده، ع.زیادخان‌اف، ر.وکیل‌اف، ج.حاجی‌بیلی، ی.و.چمن‌زمینلی و دیگران، در رابطه با سیاست خارجی جمهوری خلق آذربایجان مطالب جالب توجهی وجود دارد.^{۱۳}

خادمین جمهوریت که پس از سقوط جمهوری خلق آذربایجان، آنان به کشورهای خارجی مهاجرت کردند و روشنفکران دیگر، آثاری را در کشورهای مختلف جهان به چاپ رسانده‌اند، که در سایه این

^{۱۱} برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

“Azərbaycanda sovet idarəçiliğünün yekunları” haqqında N.Nərimanovun V.I.Leninə hesabatı. 15.09.1921.// Rusiya Dövlət Sosial Siyasət Tarixi Arxiv (RDSSTA). f.5, s.1, i.1219, v.12: N.Nərimanovun V.I.Leninə məktubu.// Azərbaycan Respublikası Prezidentinin İşlər İdarəsi yanında Siyasət Partiyalar və İctimai Hərəkətlər Dövlət Arxiv (ARPIİ SPIHDA), f.609, s.1, i.71, v.41: B.Şaxatinskiy V.I.Leninə məktubu. 20.09.1920.// Rusiyanın Federasiyası Xarici Siyasət Arxiv (RF XSA), f.1, s.51, q.321a, i.54859, v.6-7

^{۱۲} Nərimanov, Mdivani, Mikoyan, Nəncəyşvili, Vesnik, Levandovski və Mixaylovun RK(b)P MK-ya məktubu. 10.07.1920.// ARPIİ SPIHDA, f.1, s.44, i.118, v.25

^{۱۳} Ə.M.Topçubaşov. Azərbaycan təşəkkülü. İstanbul, 1918; M.Ə.Rəsulzadə. Azərbaycanın təşkilində müsavət. Bakı, 1920; A.Ziyadxanlı. Azərbaycan. Bakı, 1919; R.Vəkilov. Azərbaycan Cümhuriyyətinin yaranma tarixi.// Azərbaycan, 1919, 28 may; Djeyhoun Bey Hadjibeyli. La première République musulmane: l'Azerbaïdjan. Editions Ernest Leroux, vol. XXXVI, Paris, 1919; Y.V.Cəmənzaminli. Biz kimik və nə istəyirik. Bakı, 1919

آثار می‌توان بعضی از صفحات تاریک دیپلماسی آذربایجان را که در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸ بوقوع پیوسته، روشن ساخت.^{۱۴}

گرچه حوادث سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸، پس از سقوط جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۲۰، در تاریخ‌شناسی دوره شوروی، از نظر ایدئولوژیک مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و در رابطه با مسائل سیاست خارجی نیز، سیاست حکومت آذربایجان با در نظر گرفتن نیازهای ایدئولوژیک شوروی ارائه شده است، اما خصوصاً در آثاری که در اوایل نوشته شده‌اند اسناد و مدارک بسیاری مورد استفاده قرار گرفته‌اند.^{۱۵} تحقیقات در مورد فعالیتهای دیپلماتیک جمهوری خلق آذربایجان مورد توجه برخی محققین غربی نیز قرار گرفته است. در آثاری که در کشورهای مختلف به چاپ رسیده، به شکل وسیعی به مطالعه در مورد خط مشی سیاست خارجی حکومت آذربایجان در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸ پرداخته شده است.^{۱۶}

^{۱۴} M.Ə.Rəsulzadə. Azərbaycan Cümhuriyyəti. İstanbul, 1920; M.Ə.Rəsulzadə. О пантуризме (В связи с Кавказской проблемой). Париж, 1930; Mir Yaqub. Dünya Siyasatında petrol. İstanbul, 1928; Mir-Yacoub. Le probleme du Caucase. Paris, 1933; M.Məmmədova. Milli Azərbaycan hərəkatı. Berlin, 1938.

^{۱۵} Ю.А.Ратгаузер. Борьба за Советский Азербайджан. Баку, 1929; Его же. Революция и гражданская война в Баку, ч.1. 1917-1918. Баку, 1927; А.Радехий. Английская интервенция и мусаватское правительство. К истории интервенции и контрреволюции в Закавказье. Баку, 1927; Его же. Английские «друзья» и мусаватские «враги». Баку, 1927; Его же. Мусаватское правительство на Версальской конференции. Доклады представителей Азербайджанской мусаватской делегации. Баку, 1931; А.Стеклова. Азербайджан Мусаватского Азербайджана. Баку, 1928; И.А.Гусейнов. Баку в захватнических планах английских империалистов в 1918 г.// Труды Азерб. филиала ИМЭЛ. Т. XIII. Баку, 1947; Z.İbrahimov. İngilis - Amerikan müdaxiləçilərinə qarşı Azərbaycan xalqının mübarizəsi. Bakı, 1950; Е.А.Тетаржевский. Из истории иностранной интервенции и гражданской войны в Азербайджане. Баку, 1957; Б.Е.Штейн. «Русский вопрос» на Парижской мирной конференции (1918-1920 гг.). М., 1949; А.И.Базиянц. К вопросу о захватнической политике США в Азербайджане (1917-1920).// Уч. зап. ин-та востоковедения. Т.XIX. М., 1958.

^{۱۶} F.Kazemzadeh. The Struggle for Transcaucasus (1917-1921). New-York, 1951; W.Allen, P.Muratof. Caucasian Battlefields: A History of the Wars and Turco-Caucasian Border and Nationalism, 1917-1923. Cambridge, 1964; V.Kolarz. Russia and Her Colonial. London, 1953; I.Spector. The Soviet Union and the Moslem World, 1917-1958. Wash. 1958; N.S.Fatemi. Diplomatic History of Russia. 1917-1923; N.Y.; 1952; A.Bennigsen, E.Wimbush. Moslem National Communism in the Soviet Union: A Revolutionary Strategy for the Colonial World. Chicago, London, 1979; R.Ullman. Anglo-Soviet Relations 1917-1921. London, 1968; L.Fisber. The war for Baku. "Oil Imperialism". Ch.1. London, 1976; R.Suny. The Baku Commune, 1917-1918: Class and Nationalist. Princeton (N.Y.), 1972; T.Swietochowski. Russian Azerbaijan, 1905-1920: The Shaping of National Identity in Moslem Community. Cambridge, 1985; T.Swietochowski. Russia and Azerbaijan: A Borderland in Transition. New York, 1995; T.Swietochowski and B.Collins. Historical Dictionary of Azerbaijan. Lanham, 1999; A.Alstadt. The Azerbaijani Turks: Power and Identity under Russian Rule. Stanford, 1992; R.Teague-Jones. The Spy Who Disappeared: Secret Service East of Constantinople. The Plot to Bring Down the British Empire. John Murray, London, 1994.

در کنار کشورهای غربی، فعالیتهای دیپلماتیک جمهوری خلق آذربایجان در ترکیه نیز همواره مورد توجه تاریخ‌شناسان قرار گرفته است. در آثار تاریخ‌شناسان ترکیهای، روابط آذربایجان-ترکیه، سیاست امپراتوری عثمانی در مورد قفقاز در پایان جنگ جهانی، برخی مسائل روابط بین‌المللی مرتبط با آذربایجان و ابعاد بین‌المللی مشکل ارمنی‌ها در قفقاز جنوبی و آناتولی به صورت جامع مورد مطالعه قرار گرفته است.^{۱۷}

پس از استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۱، علاقه خاصی به تاریخ جمهوری خلق و زندگی و فعالیت رهبران آن بوجود آمده است. از این نظر، موفقیت‌های مهمی در زمینه یادگیری فعالیتهای دیپلماتیک کلاهای سیاست خارجی حکومت آذربایجان بدست آمده، آثار تخصصی علمی فراوانی به چاپ رسیده و پایان‌نامه‌های فراوانی در سطح دکترا ارائه شده است. در این آثار و تحقیقات، تصویر جامع سیاسی و علمی موضوع تاریخ جمهوریت که مدت زمانی طولانی جزو موضوعات ممنوعه بوده، رسم شده است.^{۱۸}

^{۱۷} Kurat A.Nimet. Birinci dünya savaşında Türkiye'de bulunan Alman generallerinin raporları. Ankara, 1966; Yene onun. Türkiye ve Rusya. Ankara, 1970; H.B. Ykay. Azarbaycan İstiklal Mücadelesi Tarihi. İstanbul, 1975; N.Devlet. Rusya Türklerinin Milli Mücadele Tarihi (1905-1917). Ankara, 1985; Mim Kemal Öke. Ermeni Meselesi. İstanbul, 1986; A.Sü. İ. K. elar göre Ermenilerin yaptıkları mezalim. Ankara, 1987; T.Sünbül. Azerbaijan Dosyası. Ankara, 1990; Hüsamettin Yıldırım. Rus-Türk-Ermeni Münasebetleri (1914-1918). Ankara, 1990; S.Tansel. Mondros'tan Mudanya'ya kadar. C.I, III, IV. İstanbul, 1991; N.Yücer. Birinci dünya Savaşında Osmanlı Ordusunun Azerbaycan ve Dağıstan Harekatı. Ankara, 1996; N.Erdag (Akgül). Milli mücadele döneminde Kafkas Cumhuriyetleri ile ilişkiler (1917-1921). Ankara, 1994; S.Kılıç. Ermeni sorunu ve Almanya - Türk ilişkileri Alman Arşiv Belgeleri ile. İstanbul, 2003; N.Mazıcı. ABD'nin Güney Kafkasya Politikası Olarak Ermenistan Sorunu 1919-1921. İstanbul, 2005; Omer Ergin Lutem. The Armenian Demands at Paris Peace Conference of 1919.// Review of Armenian Studies, no.11-12, 2004, 2007

^{۱۸} N.Nasibzada. Azarbaycanın xarici siyasati. Bakı, 1996; İ.Musayev. Azarbaycanın Naxçıvan və Zəngəzur bölgələrində siyasi siyasət və xarici dövlətlərin siyasati (1917-1921-ci illər). Bakı, 1996; yene onun. Azarbaycanın xarici siyasati (XX əsr). Bakı, 2001; M.Qasimov. Birinci dünya müharibəsi illərində böyük dövlətlərin Azarbaycan siyasati (1914-1918-ci illər). II hissə. Bakı, 2001; M.Qasimli. E.Hüseynova. Azarbaycanın xarici işlər nazirləri. Bakı, 2003; X.İbrahimli. Azarbaycan siyasi mühacirəti. Bakı, 1996; M.Süleymanov. Azarbaycan ordusu (1918-1920). Bakı, 1998; Yene onun. Qafqaz İslam ordusu və Azarbaycan. Bakı, 1999; Azarbaycan tarixi. VII cildə, V cild. Bakı, 2001; Azarbaycan Xalq Cümhuriyyəti Ensiklopediyası. I-II cildlər. Baş redaktor. Y.Mahmudov. Bakı, 2004-2005; R.Hətəmov. Almaniya - Osmanlı münasibətlərində Azarbaycan amili (1917-1918-ci illər). Namizədlik dissertasiyasının avtoreferatı. Bakı, 2005; Azərbaycanская Демократическая Республика (1918-1920 гг.). Отв. ред. Н.Агамалиева. Баку, 1998; P.C.Мустафазadə. Две республики. Азербайджано-российские отношения в 1918-1922 гг. М., 2006; Azərbaycanская Демократическая Республика. Сборник статей. Сост. Р.Абугалибов. М., 2008; А.Балаев. Мамед Эмин Расулзаде (1884-1955). М., 2009; С.М.Исхаков. Российские мусульмане и революция (весна 1917 - лето 1918). М., 2004; А.Гаджиев. Демократические республики Юго-Западного Кавказа (Карская и Аракс-Тюркская республики). Баку, 2004; П.Дарабади. Военные проблемы политической истории Азербайджана начала XX века. Баку, 1991; С.З.Юсифзаде. Первая Азербайджанская республика: история, события, факты англо-азербайджанских отношений. Баку, 1998

در مسیر تحقیقات در مورد فعالیتهای دیپلماتیک جمهوری خلق آذربایجان، از خاطرات و سرگذشت‌ها نیز به شکل وسیعی استفاده شده است. در بین خاطرات خادمین شناخته‌شده دولت، سیاستمداران و دیپلماتهای آن دوره که در زمانهای مختلف منتشر شده، درباره سیاست دولتهای بزرگ در روابط با آذربایجان، مبارزات سرسختانه‌ای که در پایان جنگ جهانی اول در راه باکو انجام داده‌اند و برسمیت شناخته شدن استقلال آذربایجان در کنفرانس صلح پاریس مطالب جالبی موجود است.^{۱۹}

جهت تحقیق درباره فعالیتهای دیپلماتیک جمهوری خلق آذربایجان و ترسیم تصویر جامعی از سیاست خارج حکومت در سالهای ۱۹۲۰-۱۹۱۸، مولف از اسناد بی‌شماری که در آرشیوهای داخلی و در کشورهای خارجی نگهداری می‌شوند، استفاده کرده است. جهت پوشش جامع اقدامات حکومت آذربایجان، وزارت امور خارج آن و نمایندگی‌های دیپلماتیک آن در کشورهای همسایه و فعالیتهای هیئت آذربایجانی شرکت کرده در کنفرانس صلح پاریس، از اسناد و مدارک موجود در آرشیو دولتی آذربایجان، آرشیو سازمان ریاست جمهوری آذربایجان و در کنار آن آرشیو دولتی احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی، آرشیو وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان، آرشیو دولتی امور اجتماعی-سیاسی-تاریخی روسیه، آرشیو سیاست خارج اندراسیون روسیه، آرشیو دیپلماتیک وزارت امور خارجه فرانسه، آرشیو وزارت امور خارجه بریتانیای کب و اسناد و مدارک دپارتمان دولتی ایالات متحده آمریکا به شکل وسیعی استفاده شده است. مولف، بخاطر همکاری همیمنانه و دقت کارکنان ادارات آرشیو، از تمامی آنان کمال تشکر را ابراز می‌دارد. همچنین بخاطر راهنمایی‌ها و کمکهای عملی ایشان از ریاست وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان و همچنین اعضای هیئت اجرایی تشکیل شده در وزارتخانه سیاست‌سازم.

^{۱۹} ۳. آوالوف. Независимость Грузии в международной политике. Париж, 1924; Б. Байков. Воспоминания о революции в Закавказье (1917-1920 гг.). Берлин, 1922; А. И. Деникин. Очерки русской смуты. М., 1991; П. Н. Милоков. Воспоминания. М., 1991; Д. Ллойд Джордж. Военные мемуары. Т. I-VI. М., 1934-1938; Его же. Правда о мирных договорах. Т. 2. М., 1957; У. Черчилль. Мировой кризис. М., 1932; Ф. Нитти. Вырождение Европы. М.-Пг., 1923; М. Кемаль. Воспоминания президента Турецкой республики. М., 1924; Э. Людендорф. Мои воспоминания о войне. Т. 2. М., 1924; Л. Денстервилль. Британский империализм в Баку и Персии в 1917-1918 гг. Тифлис, 1925; A. Rowlinson. Adventures in the New East, 1918-1922, London-New-York, 1923; R. MacDonell. And Nothings Long. London, 1938; Haydar Bammate. Le Caucase et la revolution Russe. Paris, 1929; C. E. Bechofer. In Denikin's Russia and the Caucase. 1919-1920. London 1921; Talat Paşanın Hatıraları. İstanbul, 1946; Записки Джемал пашин (1903-1919). Тифлис, 1923; K. Karabekir. İstiklal Harbimiz. İstanbul, 1988; S. İzzet. Büyük Harbte (1918) 15 Piyade Tımının Azerbaycan ve Şimali Kafkasiyadaki Hareket ve Müharebeleri. İstanbul, 1936